حمید سبزواری(شاعر) امیر حسین فردی (نویسنده) ابوالفضل عالی (گرافیست) شهید رسول کاظم نژاد (عکاس) صفار زاده(نویسنده) شهید احمد زارعی (شاعر) مهرداد اوستا(شاعر) نصرالله مردانی (شاعر) مسعود شجاعی طباطبایی (کاریکاتوریست) حبیب الله معلمی (شاعر) علیرضا قزوه(شاعر) محمدعلی گودینی(نویسنده) علی محمدمؤدب (شاعر) مرحوم شهریار(شاعر) محمدمهدی سیار (شاعر) سیمین‌دخت وحیدی (شاعر) صلواتیان(نویسنده و تصویرگر)

حسان مردم

■ **مصطفی محدثی خراسانی**

شادروان حبیب چایچیان از معدود شاعران آیینی و نوحه‌سرایان معاصر بود که به دلیل اینکه از دل مردم برآمده بود و با غم و شادی و آرزوها و دغدغه‌های مردم آشنا بود به سرعت توانست محبت و معرفت خود نسبت به اهل بیت(ع) را در زبانی مردمی و منطبق با درک و دریافت توده‌های مردم در قالب شعر بریزد و بسیاری از سروده‌های او در جان مردم رسوب کند و زمزمه آنها شود.

شعر آیینی فارسی در طول تاریخ همواره نسبت به سایر حوزه‌های محتوایی از حساسیت‌های خاصی برخوردار بوده و همین حساسیت‌ها موجب شده که ورود به آن متناسب با مرتبه شعری شاعران متفاوت باشد، از مهم‌ترین این حساسیت‌ها دغدغه بیشتری است که باید شاعرنسبت به مخاطب داشته باشد به این لحاظ که گسترده‌ترین طیف مخاطب را در شعر آیینی توده‌های مردم شکل می‌دهند، بدیهی است الزام آن این خواهد بود که شاعر شعر آیینی با ذهن و زبانی سخن بگوید که بتواند به راحتی و روانی با این طیف گسترده ارتباط برقرار کند و از همین جاست که دغدغه فهم مخاطب از اصلی‌ترین چالش‌های فراروی شاعر می‌شود، این دغدغه در بسیاری از موارد موجب آن شده که شاعر از بلندای شعر پا فرونهد و از خیر شاعرانگی‌ها و ظرافت‌های ذهنی و زبانی بگذرد و در نهایت به کلامی صرفا موزون قناعت کند که در نهایت همان حرف‌ها و اندیشه‌های معمول را در قالب وزن و قافیه در اختیار مخاطب قرار می‌دهد و متقابلا اگر می‌خواسته شأن شعر را رعایت کند و با ذهن و زبان ساخته و پرداخته و هنری سخن بگوید باید از خیر این طیف گسترده مخاطب می‌گذشته و به جمع بسیار محدودتر مخاطبان خاص قناعت.

این روند کم کم این توهم را خصوصا در سال‌های قبل از انقلاب اسلامی بوجود آورد که سرودن شعر آیینی کار طیف خاصی از شاعران است که از آنها به عنوان شاعر اهل بیت یا مداح و مرثیه خوان نام برده می‌شود، این خط کشی موجب شد که دفتر شعر آیینی ما به دو بخش جدا از هم تقسیم شود، بخش اول که به لحاظ حجم خیلی چشمگیرتر بود شعرهایی بودند که مخاطب عام می‌توانست با آن ارتباط برقرار کند و معمولا بر زبان مداحان و مرثیه‌سرایان اهل بیت متداول بود و در محافل و مجالس در مساجد و تکایا خوانده می‌شد ولی اکثر آنها تنها فهم توده‌ها را در پی داشت و از پسند خواص بی‌بهره می‌ماند، بخش دوم که به لحاظ کمی، بسیار در مقایسه با بخش اول اندک بود، شعرهایی بود که شاعران توانمند می‌سرودند که بهره‌مند بود از ظرافت‌ها و ظرفیت‌های شعری و جایگاه قابل قبولی در جریان شعر فارسی داشت، اما این بخش هم تنها پسند خواص را در پی داشت و از فهم عوام بی‌بهره می‌ماند.

در این بین بودند شاعرانی که توانایی حفظ شأن شعر را در نزدیکی به فهم توده‌ها را داشتند و از طرفی بودند مداحان و مرثیه‌سرایانی که با همان ذهن و زبان توده فهم آثارشان از ظرافت‌ها و ظرفیت‌های شعری هم بی‌بهره نبود، گروه سوم شاعرانی بودند که صرفا هنر شعرشان را وقف مدح و مرثیه اهل بیت کرده بودند، این گروه توانستند نقش اصلی را در این میان به عهده گیرند و خود راه‌حلی شدند برای مشکلی که همواره شعر آیینی ما با آن مواجه بود که شرح آن در سطور بالا آمد، محمد حسن فرحبخشیان یا همان ژولیده نیشابوری مشهور، یکی از این گروه نسبتا انگشت شمار شاعران و ارادتمندان آل‌الله بود، شاعرانی که کلامشان به زیورهای شعر آراسته بود ودر عین حال چون مخاطب اصلی آنها توده‌های مردم بودند تلاش کردند به ذهن و زبان آنها نزدیک شوند.

این امکانی بود که تلاش آنها برای شعر آیینی فراهم می‌کرد تا بتواند به نمونه‌هایی دست پیدا کند که همان معیار کهن نقد ادبی ما یعنی فهم عوام و پسند خواص را در پی داشته باشد و متقابلا، این شرایط برای این گروه شاعران نیز این امکان را فراهم کرد تا به ذهن و زبانی معتدل و سهل و ممتنع در شعر دست پیدا کنند که در این روزگار غنیمتی بزرگ است، استاد حبیب چایچیان یا همان حسان مردم از موثرترین چهرهای شعر آیینی معاصر در رفع این نقیصه بود و توانست تلاش موفق و موثری در نزدیک کردن شعر آیینی به زبان مردم داشته باشد.

سروده‌ای از استاد حبیب‌الله چایچیان(حسان)

باز این چه نواست، وز کجا می‌آید ...

باز این چه نواست، وز کجا می‌آید
کاین نغمه به گوش آشنا می‌آید

یارب چه غبار دلنشینی است که باز
بر لوح دل از خاطره ها می‌آید؟

این کیست، که از قِصه پر غُصه او
غم های دگر، به انتها می‌آید؟

این کیست، که بر پرده دل چنگ زند
کز شور غمش، دل به نوا می‌آید؟

این کیست، که از شتاب چرخ عمرش
گرد غم و طوفان عزا می‌آید؟

این کیست، که از شعار آزادی او
بر گوش مجاهدان، ندا می‌آید؟

این کیست، که هر کس شنود نامش را
با چشم تر و، نوحه سرا می‌آید؟

این کیست، که هر جا گذرد، همچو بهار
بوی گل سرخ، از فضا می‌آید؟

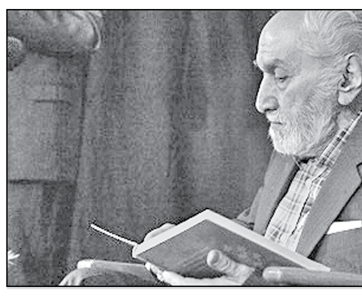

این کیست، که حج خویش، ناکرده تمام
لبیک به لب، به نینوا می‌آید؟

خون در دل عاشقان حق، می‌جوشد
یک لاله عذار حق نما می‌آید

از شهر نبی، مسافری سرگردان
با قافله‌اش، به کربلا می‌آید

این عاشق سرگشته، حسین است، حسین
کاینجا به مشیت خدا می‌آید

این ذبح عظیم است، که از بیت خدا
با جمله عزیزان به منا می‌آید

اکبر به شتاب، از پی ثارالله
با قلب حسین، پابه‌پا می‌آید

قاسم که درین سفر بجای حسن است
آید به نظر که مجتبی می‌آید

عباس به پاس محمل خواهر خویش
چون سایه زینب، ز قفا می‌آید

گر جنگ و ستیز است، خدایا، در پیش
پس دختر زهرا به کجا می‌آید؟

کس نیست «حسانا» که بپرسد ز رباب:
با اصغر شش ماهه، چرا می‌آید؟

حدود یک سال پیش (نهم آبان نود و پنج) نوشته‌ای دربارهٔ زنده یاد جلال آل احمد، از نگارنده در همین صفحه درج شد که در آخرین سطرهای آن عرض کرده بودم:.... در زمانه‌ای که همهٔ هم و غم و تلاش گروهی از مدعیان روشنفکری این مرز و بوم، کرنش و به خاک افتادن در برابر غرب و بد و کهنه جلوه دادن داشته‌های خودی است، حمله به وی چندان غیرطبیعی نیست و سعی در خاموش کردن چراغ اندیشهٔ او، کمترین تعجبی ندارد و هنوز هم «در خدمت و خیانت روشنفکران» جلال، کتابی است خواندنی، عبرت‌آموز و البته ناتمام ...

اینک با توجه به مندرجات اخیر نشریات جدیدالانتشاری که ترور فکری و فرهنگی افرادی همچون جلال، در صدر اهداف رسانه‌ای آن‌هاست، در تأیید مطالب گذشته و صدق آن عرایض، نکات دیگری را می‌افزایم:

جلال آل‌احمد در امتداد فریادها

■ **علیرضا چخماقی**

روزنامه‌ای که هنوز یک ماهه نشده است (جامعهٔ فردا) در صفحهٔ آخر بیست و هفتمین شماره‌اش در تاریخ یازدهم آذرماه، به قول خودش به بهانهٔ نود و پنجمین زاد روز «جلال آل آحمد»، مطلبی را چاپ کرده است با عنوان: آیینه گمراهی نسل دهه چهل ....

اگر چه ازهمین عنوان که خلاصه‌ای از کلیت مطلب است، می‌توان به دیدگاه و طرز تفکر نویسندهٔ آن پی برد و وقت گرانبها را صرف کار دیگری غیر از خواندن چنین نوشته‌ای کرد، اما با وجود این، مطالعهٔ چنین مطالبی، از این جهت که ما را با وجوه تازه‌تری از مخالفت‌های دیرینه و کین‌ورزی‌های کورکورانهٔ گروهی از مدعیان روشنفکری آشناتر می‌سازد، درحکم ادب‌آموزی از بی‌ادبان، کاری است مفید و بلکه واجب و ضروری ....

چرا که با خواندن نوشته‌هایی از این دست، که این روزها تعدادشان هم کم نیست، می‌شود دریافت با توجه به سیطرهٔ لیبرالیسم فرهنگی بر بخش عمده‌ای از فضاهای مجازی و مطبوعات، این طبیعی‌ترین واکنش تدافعی کسانی است که مرحوم آل احمد، در آثاری چون «غرب‌زدگی»، «در خدمت و خیانت روشنفکران» و مجموعه مقالاتش، آنان را طرف خطاب قرار داده است. مفهوم دیگر سخن این است که آل احمد اگر یک نویسندهٔ خنثی و صرفا در حد یک داستان‌نویس باقی می‌ماند، آنگاه، این چنین در معرض حملات ناجوانمردانه از سوی طیفی خاص قرار نمی‌گرفت، طیفی خاص از نویسندگان که موتور محرکهٔ آنان، سرمایه‌داری آمیخته با رنگ و لعاب تجمل و دنیاپرستی است با همهٔ مظاهر گول‌زننده و دروغینی که از قدیم‌الایام داشته و در زمانهٔ ما، به مراتب بیشتر هم دارد و این یعنی که آل احمد در جایگاه یک آسیب‌شناس فرهنگی- اجتماعی، با مشاهدهٔ ناهنجاری‌ها و آلودگی‌های ذهنی و بیماری‌های فرهنگی رایج در زمانهٔ خود، به منظور ایمن‌سازی محیط جامعه و ایمن‌سازی، نسخه‌ای تجویز کرده است که اگر چنین نبود، این همه سر و صدای سوداگران سلامت فکری جامعه را بلند نمی‌کرد و آب در خوابگه مورچگان نمی‌ریخت ....

حال اگر به زعم نویسندهٔ متن «آیینه گمراهی نسل دهه چهل »، مبارزه با غرب‌زدگی «گمراهی» و آل احمد، «آیینهٔ گمراهی» بوده است، پس طبیعتا سعادت و خوشبختی هم باید در قطب مقابل آن، یعنی خود فراموشی و غرب‌زدگی تمام و کمال جست‌وجو کرد و بنابر همین معیار، اگر غرب‌زدگی و هشدار دادن خطرات آن از جمله از بین رفتن استقلال « گمراهی » است، پس مستعمره شدن و زیر سلطهٔ بیگانگان رفتن هم، حتما راه رفتن در مسیر سعادت و خوشبختی و گام نهادن در طریق دلخواه و مطلوب است.

نویسنده در خلال مطلب خود که لبریز از توهین و تحقیر آل احمد است، به ستایش از بعضی افراد از جمله «ابراهیم گلستان» می‌پردازد و با استدلالی سخیف، از این شکایت دارد که چرا آل احمد از توان جذب‌کنندگی و کاریزماتیکی برخوردار بوده و فراموش نشده، اما گلستان هم کاریزما نداشته و هم فراموش شده!؟... و البته برای چنین پرسشی، پاسخی هم نمی‌دهد.

البته نویسنده، تنها به توهین علیه آل احمد اکتفا نمی‌کند و در دو سه جای نوشته‌اش، مردم را هم مورد لطف و عنایت قرار می‌دهد، مانند آنجا که می‌نویسد: آل احمد نام و نماد گمراهی جمعی ماست ...

و یا اینکه می‌گوید: «... (آل احمد) فکر کردن را هم برای فریاد زدن دوست داشت؛ نه برای خود اندیشه. و خب، اجتماع ما هم استعداد پیروی این مردم را کم ندارد.»

- بله کاملا درست است! ... آل احمد فریاد می‌زد و در آن اختناق عصر

پهلوی، چنان بلند هم فریاد می‌زد که طنین فریادهایش، هنوز هم که هنوز است، به خاطر حرف حقی که سوار بر آن فریادهاست، گوش امثال شما را می‌آزارد و امتداد آن فریادها، امروز و هنوز هم کابوسی است برای شما و همهٔ وادادگان و غرب‌زدگانی چون شما و دقیقا به همین گناه و جرم است که همیشه عده‌ای با جلال به دشمنی برخاسته‌اند.

* یک تقاضا! ... می‌شود چند مورد از فریادهای آل احمد را، خیلی آرام و آهسته و در گوشی، به طوری که کسی آن‌ها را نشنود برای اطلاع خوانندگان بنویسید؟!...

در ادامهٔ مطلب، آنگاه آقای نویسنده(!) ضمن اعتراف به فحاشی‌های خود و امثال خودش نسبت به مرحوم آل احمد، با اظهار تأسف از این که بیشتر از نمی‌تواند فحش بدهد اضافه می‌کند: « امروز البته به آل احمد فحش دادن آسان شده و این از همین قدر بی‌قدر این نوشتار هم می‌کاهد».

* یک تقاضای دیگر! ... جناب آقای نویسنده!... می‌شود لطفا بفرمایید چرا فحش دادن به آل احمد آسان شده است؟... و اصلا چرا. به جای استدلال و دو دو تا چهار تا کردن، باید به ایشان فحش بدهید؟...

نکتهٔ جالب چنین نوشته‌ای اما آنجایی است که آقای نویسنده که عکس قیافهٔ ایشان در صدر مطلب، نشان نمی‌دهد دههٔ چهل که هیچ، حتی دههٔ پنجاه را هم دیده و درک کرده باشند؛ از دههٔ چهل به عنوان دههٔ زرین یاد می‌کنند که چنین برداشتی از یک دوره بحرانی تاریخی با همهٔ فراز و فرودهایش، نشان‌دهندهٔ غلبهٔ احساسات بر شناخت واقعیات تاریخی و البته به متقتضای سن و سال ایشان، خوش آمدن آواز دهل از دور بر پایهٔ تبلیغات شبانه‌روزی همان غربی‌هایی است که دوست دارند دورهٔ تسلط خودشان را زرین معرفی می‌کنند.

و البته این همهٔ ماجرا نیست و زنده‌یاد جلال آل احمد، حالا حالاها باید از شیفتگان غرب و بیگانه‌پرستان، به جرم نوشتن کتاب‌هایی همچون غرب‌زدگی، در خدمت و خیانت روشنفکران و خسی در میقات ... فحش و ناسزا بشنود، چنانکه دو روز زودتر از «جامعه فردا»، روزنامهٔ «همدلی» هم در همدلی با غرب و غرب‌زدگان، با مطالبی در همین مایه، یک صفحه را سیاه کرده است که ان‌شاءالله، اگر فرصتی دست دهد، به آن هم خواهیم پرداخت.

اجرائیه

مشخصات محکوم‌له/ محکوم‌لهم: پرویز دمنده نام پدر: خدانظر نشانی: زاهدان - بلوار شهید طباطبائی خ یاسر ۲ درب چهارم

مشخصات محکوم‌علیه/محکوم علیهم: غلامحسین گوهری نام پدر: - نشانی: مجهول‌المکان

محکوم به: به موجب درخواست اجرای حکم مربوطه به شماره و شماره دادنامه مربوطه ۹۵۰۹۹۷۵۵۰۱۶۰۰۶۰۹ حکم به محکومیت محکوم‌علیه به پرداخت مبلغ ۷۸۵۰۰۰۰ ریال بابت اصل خواسته ومبلغ ۱۹۸۱۳۰ ریال بابت هزینه دادرسی در حق محکوم‌علیه پرداخت نماید. ضمنا هزینه حق‌الاجرا به عهده محکوم‌علیه می‌باشد.

شورای حل اختلاف شماره ۱۶ مجتمع مرکزی شورای حل اختلاف شهرستان زاهدان

محکوم علیه مکلف است از تاریخ ابلاغ اجرائیه: ۱- ظرف ده روز مفاد آن را به موقع اجرا گذارد. (ماده ۳۴ قانون اجرای احکام مدنی) ۲- ترتیبی برای پرداخت محکوم‌به بدهد. ۳- مالی معرفی کند که اجرا حکم و استیفا محکوم‌به از آن میسر باشد. چنانچه خود را قادر به اجرای مفاد اجرائیه نداند باید ظرف سی روز کلیه اموال خود را شامل تعداد یا مقدار و قیمت همه اموال منقول و غیرمنقول، به طور مشروح مشتمل بر میزان وجوه نقدی که به هر عنوان نزد بانک‌ها و موسسات مالی و اعتباری ایرانی یا خارجی دارد به همراه مشخصات دقیق حساب‌های مذکور و کلیه اموالی که او به هر نحو نزد اشخاص ثالث دارد و کلیه مطالبات او از اشخاص ثالث و نیز فهرست نقل و انتقالات و هر نوع تغییر دیگر در اموال مذکور از زمان یک سال قبل از طرح دعوای اعصار به ضمیمه دادخواست اعسار به مقام قضائی ارائه نماید و الا به درخواست محکوم‌له بازداشت می‌شود. (مواد ۸ و ۳ قانون نحوه اجرای محکومیت مالی ۱۳۹۴). ۴- خودداری محکوم‌علیه از اعلام کامل صورت اموال به منظور فرار از اجرای حکم، حبس تعزیری درجه هفت را در پی دارد. (ماده ۳۴ قانون اجرای احکام مدنی و ماده ۲۰ ق.م.ا و ماده ۱۶ قانون نحوه اجرای محکومیت مالی ۱۳۹۴) ۵- انتقال مال به دیگری به هر نحو با انگیزه فرار از ادای دین به نحوی که باقیمانده اموال برای پرداخت دیون کافی نباشد موجب مجازات تعزیری درجه شش یا جزای نقدی معادل نصف محکوم‌به یا هر دو مجازات می‌شود. (ماده ۲۱ قانون نحوه اجرای محکومیت مالی ۱۳۹۴). ۶- چنانچه صورت اموال پس از مهلت سی روز ارائه شود آزادی محکوم‌علیه از زندان منوط به موافقت محکوم‌له یا تودیع وثیقه یا معرفی کفیل توسط محکوم‌علیه خواهد بود. (تبصره ۱ ماده ۳ قانون نحوه اجرای محکومیت مالی ۱۳۹۴).

نشانی: زاهدان - خیابان مصطفی خمینی - جنب سازمان تعزیرات حکومتی - مجتمع شوراهای حل اختلاف استان سیستان و بلوچستان **م الف ۲۸۸۵**

سند کمپانی و برگ سبز خودروسواری پراید دی.ام(هاچبک) به شماره پلاک ۹۱۲ ط ۸۹ - ایران ۱۴ به رنگ یشمی - متالیک مدل ۱۳۸۳ و شماره موتور ۰۰۶۷۸۸۱۹ و شماره شاسی S۱۴۴۲۲۸۳۱۶۸۶۹۵ مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

حصر وراثت

خواهان رونوشت حصر وراثت فاطمه شه‌بخش فرزند جان‌محمد دارای شناسنامه شماره ۱۱۲۴۵ صادره از حوزه یک زابل به شرح دادخواست تقدیمی ثبت شده به کلاسه ۹۶۰۴۸۷ از این شورا درخواست گواهی حصر وراثت نموده و چنین توضیح داده که شادروان جان‌محمد شه‌بخش فرزند عباس بشناسنامه ۶۴۴ صادره از حوزه ۹ زابل در تاریخ ۱۳۹۶/۷/۴ در اقامتگاه دائمی خود بدرود حیات گفته و ورثه حین‌الفوت آن منحصر است به:

۱- متقاضیه با مشخصات فوق‌الذکر (فرزند متوفی)
۲- مریم شه‌بخش فرزند جان‌محمد به شماره شناسنامه ۲۴۰ صادره از حوزه یک خاش (فرزند متوفی)
۳- حسینعلی شه‌بخش فرزند جان‌محمد به شماره شناسنامه ۴۲ صادره از مشهد (فرزند متوفی)
۴- نرگس شه‌بخش فرزند جان‌محمد به شماره شناسنامه ۲۴۳ صادره از خاش (فرزند متوفی)
۵- محمدعلی شه‌بخش فرزند جان‌محمد به شماره شناسنامه ۲۴۷ صادره از حوزه یک زاهدان (فرزند متوفی)
۶- محمدرضا شه‌بخش فرزند جان‌محمد به شماره شناسنامه ۷۸۳۶ صادره از حوزه یک خاش (فرزند متوفی)
۷- شهناز شه‌بخش فرزند جان‌محمد به شماره شناسنامه ۱۴۱۴ صادره از حوزه ۳ زاهدان (فرزند متوفی)
۸- زهرا شه‌بخش فرزند جان‌محمد به شماره شناسنامه ۸ صادره از مشهد (فرزند متوفی)

اینک با انجام تشریفات مقدماتی درخواست مزبور یک نوبت آگهی می‌گردد تا چنانچه شخصی اعتراضی دارد و یا وصیت‌نامه‌ای از متوفی نزد او می‌باشد از تاریخ نشر آگهی ظرف مدت یک ماه به این دادگاه تقدیم دارد و الا گواهی صادر خواهد شد.

بشیر احمدموحد
قاضی شورای حل اختلاف شماره ۲ زاهدان

زاهدان- خیابان مصطفی خمینی- جنب سازمان تعزیرات حکومتی- مجتمع شوراهای حل اختلاف استان سیستان و بلوچستان **م‌الف۲۸۹۹**

آگهی مناقصه (شماره: ۸۴۲)

شرکت آب و فاضلاب روستایی استان ایلام

شرکت آب و فاضلاب روستایی استان ایلام درنظر دارد انجام پروژه‌های زیر را ازطریق مناقصه عمومی به پیمانکاران واجدشرایط واگذار نماید. لذا از پیمانکاران واجدشرایط که دارای ظرفیت آزاد و رتبه‌بندی لازم از سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی می‌باشند دعوت به عمل می‌آید جهت دریافت و تکمیل اسناد مناقصه به شرح زیر اقدام نمایند. ۱- رعایت قانون منع مداخله کارمندان در معاملات دولتی الزامی می‌باشد. ۲- پیمانکاران مجاز به شرکت در مناقصه فقط شرکت‌های پیمانکاری حداقل پایه ۵ دارای رشته نیرو و پیمانکار باید در رشته نیرو ظرفیت کار داشته باشد و حداکثر مبلغ مناسب را رعایت نماید. - پیمانکار باید جهت خرید اسناد مناقصه مبلغ ۱۰۰ هزار ریال به حساب سیبا ۲۱۷۵۲۱۰۷۱۴۰۰۰ به نام شرکت آب و فاضلاب روستایی ایلام نزد بانک ملی شعبه مرکزی ایلام، واریز و فیش واریزی را به امور قراردادها و پیمان‌ها واقع در شرکت آب و فاضلاب روستایی استان ایلام تحویل و در ازای آن اسناد مناقصه را دریافت نماید. ۳- کلیه هزینه آگهی‌ها و اطلاع‌رسانی‌های این پروژه که ازطریق روزنامه انجام می‌گیرد به عهده پیمانکار برنده می‌باشد. و عقد قرارداد با پیمانکار برنده مشروط به پرداخت تمام هزینه آگهی مناقصه می‌باشد. ۴- آخرین مهلت فروش اسناد تا تاریخ ۹۶/۹/۲۶ و تحویل پاکت‌های حاوی اسناد مناقصه و پیشنهاد قیمت، به دبیرخانه شرکت آب و فاضلاب روستایی حداکثر تا تاریخ ۱۳۹۶/۱۰/۰۶ می‌باشد. پیمانکاران باید پس از تحویل پاکت‌ها به دبیرخانه رسید تحویل نمایند. و تاریخ بازگشایی پاکات مناقصه یک روز پس از آخرین مهلت اعتبار این آگهی و نیز آخرین تاریخ اعتبار پیشنهاد قیمت سه ماه پس از آخرین مهلت اعتبار این آگهی می‌باشد. ۵- آزاد نمودن سپرده‌های شرکت در مناقصه پیمانکاران رد شده سه روز پس از تاریخ بازگشایی مناقصه توسط ذیحسابی شرکت مقدور می‌باشد. ۶- جهت کسب اطلاعات بیشتر با شماره تلفن ۲-۲۲۲۹۰۰۱-۰۸۴۳ واحد امور قراردادها و پیمان‌ها شرکت تماس حاصل فرمایید.

۷- موضوع مناقصه: احداث خط برق ایستگاه پمپاژ موسی و خوشقدم (شهرستان بدره) با برآورد اولیه ۱/۲۳۲/۱۴۱/۶۹۰ ریال براساس فهرست بهای سال ۹۶ - مدت پیمان (۴) ماه - و مبلغ تضمین ۶۱/۶۰۷/۰۸۵ ریال فقط به صورت ضمانت‌نامه بانکی مدت‌دار ۳ ماهه (توجه شود که چک تضمینی و یا سایر موارد تضمین به هیچ عنوان مورد قبول نیست.)

خلاصه‌ای از حجم کار: احداث ۱۱۲۵ متر شبکه فشار متوسط هوایی ایستگاه پمپاژ آب روستای موسی و خوشقدم و سایر موارد براساس برآورد پیوست.

روابط عمومی شرکت آب و فاضلاب روستایی استان ایلام

رونوشت آگهی حصر وراثت

آقای نبی‌اله افتخاری دارای شناسنامه شماره ۲۱۹۰ به شرح دادخواست به کلاسه یک سیار از این شورا درخواست گواهی حصر وراثت نموده و چنین توضیح داده که شادروان ابراهیم علی افتخاری به شناسنامه ۵۳۸۸۵۰۱۷۸۷ در تاریخ ۱۳۹۳/۸/۱۳ اقامتگاه دائمی خود در روستای منصور بدرود زندگی گفته ورثه حین‌الفوت آن مرحوم منحصر است به:

۱- نبی‌اله افتخاری فرزند ابراهیم علی به شماره شناسنامه ۲۱۹۰ متولد ۱۳۴۰ (پسر متوفی)
۲- کبری افتخاری فرزند ابراهیم علی به شماره شناسنامه ۱۹۰۱ متولد ۱۳۳۰ (دختر متوفی)
۳- تمام افتخاری فرزند ابراهیم علی به شماره شناسنامه ۵۳۸۹۶۳۸۵۵۷ متولد ۱۳۳۹ (دختر متوفی)
۴- رقیه افتخاری فرزند ابراهیم علی به شماره شناسنامه ۱۶۸۱ متولد ۱۳۲۵ (دختر متوفی)
۵- مه‌لقاء افتخاری فرزند ابراهیم علی به شماره شناسنامه ۵۳۸۸۵۱۶۳۱۸ متولد ۱۳۲۳ (دختر متوفی)
۶- فاطمه افتخاری فرزند ابراهیم علی به شماره شناسنامه ۲۳۲۷ متولد ۱۳۴۲ (دختر متوفی)

اینک با انجام تشریفات مقدماتی درخواست مزبور را در یک نوبت آگهی می‌نماید تا هر کس اعتراض دارد و یا وصیت‌نامه از متوفی نزد او باشد از تاریخ نشر آگهی ظرف یک ماه به شورا تقدیم دارد. در غیر اینصورت گواهی صادر خواهد شد.

صمدی- قاضی شورای حل اختلاف آوج

ابلاغ

خواهان زهرا محمدخانی به طرفیت خوانده هوشنگ نوروزی به خواسته طلاق تقدیم دادگستری شهرستان آوج نموده که جهت رسیدگی به شعبه اول دادگاه عمومی حقوقی آوج واقع در آوج - خیابان امام - روبروی هلال‌احمر - دادگستری شهرستان آوج ارجاع و به کلاسه ۹۶۰۹۹۸۲۸۳۸۱۰۰۰۴۱ (شماره بایگانی: ۹۶۰۱۳۵) ثبت گردیده به علت مجهول‌المکان بودن خوانده و درخواست خواهان و به تجویز ماده ۷۳ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور مدنی و دستور دادگاه مراتب یک نوبت در یکی از جراید کثیرالانتشار آگهی می‌شود تا خوانده هوشنگ نوروزی فرزند ملک پس از نشر آگهی و اطلاع از مفاد آن به دادگاه مراجعه و ضمن اعلام نشانی کامل خود نسخه دوم دادخواست و ضمائم را دریافت و در وقت مقرر فوق (ظرف یک هفته پس از ابلاغ) جهت معرفی داور در این شعبه حاضر گردد.

مدیر دفتر دادگاه حقوقی شعبه اول دادگاه عمومی حقوقی دادگستری شهرستان آوج - ابوالفضل کریمی

آگهی ابلاغ وقت رسیدگی و دادخواست و ضمائم به آقای سینا وثوق انصاری فرزند منوچهر

خواهان خانم مریم جمشیدی‌شادفرد دادخواستی به طرفیت خوانده آقای سینا وثوق‌نیا به خواسته مطالبه‌وجه چک مطرح که به این شعبه ارجاع و به شماره پرونده کلاسه ۹۶۰۹۹۸۲۸۲۳۳۰۰۴۴۵ شعبه ۲۳ شورای حل اختلاف شهرستان قزوین ثبت و وقت رسیدگی مورخ ۱۳۹۶/۱۰/۲۷ ساعت ۱۶:۳۰ تعیین که حسب دستور دادگاه طبق موضوع ماده ۷۳ قانون آئین دادرسی مدنی به علت مجهول‌المکان بودن خوانده و درخواست خواهان مراتب یک نوبت در یکی از جراید کثیرالانتشار آگهی می‌گردد تا خوانده ظرف یک ماه پس از تاریخ انتشار آگهی به دفتر دادگاه مراجعه و ضمن اعلام نشانی کامل خود، نسخه ثانی دادخواست و ضمائم را دریافت و در وقت مقرر فوق جهت رسیدگی در دادگاه حاضر گردد.

شورای حل اختلاف شعبه ۲۳ شورای حل اختلاف شهرستان قزوین

سند کمپانی و برگ سبز خودرو سواری هاچبک پراید ۱۱۱ به شماره پلاک ۱۲۲ ط ۷۷ - ایران ۱۴ به رنگ بنفش -متالیک مدل ۱۳۹۰ و شماره موتور ۴۱۶۷۶۳۶ و شماره شاسی S۵۴۳۰۰۹۰۰۶۰۸۳۱ مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

برگ سبز خودرو سواری سمند LX به شماره پلاک ۲۶۳ ص ۱۵ - ایران ۱۴ به رنگ سفید مدل ۱۳۸۸ و شماره موتور ۱۲۴۸۸۱۲۳۳۹۱ و شماره شاسی NAAC۹۱CC۷۹F۸۱۰۴۴۱ مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

تاریخ انتشار: ۹۶/۹/۱۹

آگهی دعوت مجمع عمومی عادی بطور فوق‌العاده - نوبت اول

شرکت تعاونی مسکن آرمان اسکان ایرانیان
به شماره ثبت ۱۸۰۲۶۴
به شناسه ملی ۱۰۱۰۲۲۲۴۷۷۵

ازکلیه اعضاء محترم دعوت می‌شود تا در جلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق‌العاده که راس ساعت ۹ صبح روز دوشنبه ۹۶/۱۰/۱۱ در محل سالن اجتماعات مجتمع فرهنگی پیامبر اعظم(ص) به آدرس تهران - خیابان شریعتی بالاتر از چهارراه شهید قدوسی روبروی پارک اندیشه ورودی شماره ۱۱ حسینیه و مجتمع فرهنگی پیامبر اعظم(ص) تشکیل می‌گردد حضور به هم رسانند.

توضیح اینکه داوطلبان سمت بازرس می‌بایست حداکثر ظرف مدت یک هفته از تاریخ انتشار آگهی، فرم داوطلبی را تکمیل و تحویل هیئت‌مدیره نمایند. درصورتی‌که حضور عضوی در مجمع میسر نباشد می‌تواند حق رای خود را با وکالت به غیر واگذار کند (هر عضو می‌تواند وکالت ۳ نفر و غیرعضو وکالت یک نفر را بپذیرد) حضور شخص وکیل و موکل به طور همزمان به مدت ۲۰ روز در دفتر تعاونی جهت تنظیم برگ نمایندگی الزامی است. بررسی و تایید برگ نمایندگی توسط هیئت‌مدیره و بازرس تعاونی صورت می‌پذیرد.

دستور جلسه:

۱- استماع گزارش هیئت‌مدیره و بازرس شرکت
۲- رسیدگی و اتخاذ تصمیم درخصوص صورت‌های مالی سال ۹۵ شرکت
۳- تصویب بودجه موردنیاز سال ۹۶ شرکت
۴- انتخاب اعضاء بازرس شرکت

رئیس هیئت‌مدیره شرکت تعاونی مسکن

دادنامه

دادنامه غیر مکانیزه: ۹۶-۵۵۸ تاریخ صدور: ۹۶/۷/۲۷، خواهان: اسداله نامیان فرزند حسن/ همدان خ شهداء جنب ساختمان میدانچی رنگ‌فروشی نامیان. خوانده: مهدی فعله‌گری فرزند علی/ مجهول‌المکان

خواسته: مطالبه طلب، گردشکار: خواهان دادخواستی به خواسته فوق به طرفیت خوانده تقدیم داشته که پس از ارجاع به این شعبه و ثبت و اجرای تشریفات قانونی قاضی شورا پس از مشورت با اعضاء شعبه و اعلام ختم رسیدگی به شرح آتی با استعانت از خداوند منان مبادرت به صدور رأی می‌نماید.

رأی قاضی شورا

درخصوص دادخواست آقای اسداله نامیان فرزند حسن به طرفیت آقای مهدی فعله‌گری فرزند علی به خواسته صدور حکم بر مطالبه الباقی طلب بابت فروش رنگ به مبلغ ده میلیون و هفتصد و بیست و پنج هزار تومان درخصوص حساب دفتری و جبران خسارات دادرسی و تأخیر تأدیه، نظر به ارائه دادخواست از ناحیه خواهان مبنی بر اینکه خوانده که به شغل نقاشی اشتغال دارد از بابت حساب دفتری جهت خرید رنگ و لوازم نقاشی مبلغ ده میلیون و هفتصد و بیست و پنج هزار تومان به ایشان بدهکار است و تاکنون آن را نپرداخته و از پرداخت آن استنکاف می‌ورزد و خواهان جهت اثبات اظهارات خود نقاضای استماع شهادت شهود را داشت که شورا با اختیار حاصله از مواد ۲۲۹ تا ۲۳۱ قانون آئین دادرسی مدنی قرار استماع شهادت شهود را صادر نمود و از شهود خواهان استماع شهادت به عمل آمد و شهود متفقاً اظهار داشتند آقای اسداله نامیان در حضور آنها به آقای مهدی فعله‌گری گفته است بیا طلبت را که در حدود دوازده میلیون تومان است را تسویه کن و آقای مهدی فعله‌گری هیچ حرفی جهت رد و یا تأیید آن نمی‌زد ولی شهود از مبلغ دقیق طلب خواهان اطلاع نداشتند لذا از خواهان سؤال شد آیا دلیل و مدرک دیگری دارید؟ پاسخ داد بنده حاضر به سوگند هستم و شورا با اختیار حاصله از مواد ۲۷۴ و ۲۸۴ و ۲۸۶ قانون آئین دادرسی مدنی قرار اتیان سوگند خواهان را صادر و خواهان در حضور اعضاء حوزه به اله و تاله و باله سوگند یاد نمود که مبلغ ده میلیون و هفتصد و بیست و پنج هزار تومان از آقای مهدی فعله‌گری طلبکار است و تاکنون ایشان این مبلغ را نپرداخته است و از طرفی خوانده در حوزه حاضر شد و اظهار داشت من به ایشان بدهکار نیستم و این مبلغ رنگ را چگونه می‌شود بدون رسید یا فاکتور تحویل من بدهد؟ علی‌ایحال شورا با عنایت به محتویات پرونده و شهادت شهود و اتیان سوگند خواهان، خواسته خواهان را ثابت و وارد دانسته و مستنداً به مواد ۲۲۹ تا ۲۳۱ و ۲۷۴ و ۲۸۴ و ۲۸۶ و ۱۹۸ و ۵۱۵ و ۵۱۹ و ۵۲۲ قانون آئین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی حکم بر محکومیت خوانده به پرداخت مبلغ ۱۰/۷۲۵/۰۰۰ تومان از بابت اصل خواسته و مبلغ ۲۹۱/۰۰۰ تومان از بابت هزینه دادرسی و مبلغ ۳۰/۰۰۰ تومان هزینه نشر آگهی و در خصوص خسارت تأخیر تأدیه چون از تاریخ تقدیم دادخواست مورخ ۹۶/۴/۱۸ نرخ شاخص تورم بانک مرکزی تغییر فاحشی نداشته است لذا مستنداً به مفهوم مخالف ماده ۵۲۲ قانون آئین دادرسی مدنی قرار رد دعوی خواهان را در این خصوص صادر و اعلام می‌نماید. رأی صادره حضوری است و ظرف مهلت ۲۰ روز پس از ابلاغ قابل تجدیدنظرخواهی در محاکم عمومی حقوقی همدان می‌باشد.

شماره م.الف۳۹۷۹ **قاضی شعبه ۱۲۵ شورای حل اختلاف همدان- جلیلی**

پرونده کلاسه ۹۶۰۹۹۸۲۸۲۲۶۰۰۰۷۰ شعبه ۱۶ شورای حل اختلاف شهرستان قزوین تصمیم نهایی شماره ۹۶۰۹۹۷۲۸۲۲۶۰۰۴۳۶

خواهان: آقای علی معصومی گازرخانی فرزند علی دلاور به نشانی قزوین- پونک- نرگس ۳۰- پلاک۹- ط اول
خوانده: آقای غلامرضا شجاعی‌یکتا فرزند ابوالفضل به نشانی مجهول‌المکان
خواسته: مطالبه وجه چک

رای قاضی شورا

در خصوص دعوی خواهان علی معصومی گازرخانی فرزند علی دلاور به طرفیت خوانده غلامرضا شجاعی‌یکتا فرزند ابوالفضل به خواسته مبلغ ۲۴/۰۰۰/۰۰۰ ریال وجه یک فقره چک بانکی به شماره ۳۵۰/۳۲۵۲۲۰ مورخ ۹۴/۱/۱۵ از حساب جاری به شماره ۱۰۳۵۶۷۱۱۸۰۰۱ عهده بانک سپه با احتساب خسارات دادرسی و تاخیر تادیه بدین شرح که خواهان مدعی شده که به موجب یک فقره چک فوق‌التوصیف مبلغ ۲۴/۰۰۰/۰۰۰ ریال از خوانده طلبکار می‌باشد که مشارالیه با وصف مراجعات متعدد از تادیه دین خود امتناع می‌نماید. شورا با عنایت به خواسته مطروحه و مداقه در مفاد مدلول چک موصوف که بر طبق مقررات قانونی صادر شده و علی‌الاصول وجود و بقای آن در ید خواهان، ظهور در اشتغال و استمرار ذمه خوانده و اماره بر مدیونیت وی و حاکی از استحقاق خواهان در مطالبه وجه آن دارد و از آنجایی که خوانده دعوی با وصف ابلاغ قانونی در جلسه شورا حضور نیافته و لایحه‌ای نیز ارسال ننموده است و بدین ترتیب مستندات دعوی و خواسته مطروحه مصون از هرگونه ایراد و تعرض خوانده باقی مانده، از این رو شورا با توجه به مراتب مطروحه دعوای خواهان را وارد و ثابت دانسته و به استناد مواد ۱۹۸ و ۵۱۵ و ۵۱۹ و ۵۲۲ از قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور مدنی و تبصره الحاقی به ماده ۲ قانون صدور چک مصوب ۱۳۷۶ مجمع تشخیص مصلحت نظام و ماده واحده استفساریه تبصره مذکور و مواد ۳۱۰ و ۳۱۳ از قانون تجارت و مواد ۹ و ۲۷ از قانون شوراهای حل اختلاف خوانده را به پرداخت مبلغ ۲۴/۰۰۰/۰۰۰ ریال به عنوان اصل خواسته و ۶۸۰/۰۰۰ ریال بابت هزینه دادرسی در حق خواهان محکوم و اعلام می‌دارد که اجرای احکام شورا مکلف است که خسارت تاخیر تادیه چک فوق‌الذکر را از تاریخ سررسید آن مورخ ۹۴/۱/۱۵ لغایت اجرای حکم بر طبق شاخص بانک مرکزی محاسبه و از خوانده اخذ و در حق خواهان ایصال نماید. رای صادره غیابی بوده و ظرف مهلت بیست روز پس از ابلاغ قابل واخواهی در همین شعبه و پس از انقضای مدت مذکور ظرف بیست روز دیگر قابل تجدیدنظرخواهی در محاکم عمومی حقوقی قزوین می‌باشد.

محمد پورقاضی شعبه ۱۶ شورای حل اختلاف شهرستان قزوین

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین‌نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی وساختمان‌های فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۳۹۶۶۰۳۲۶۰۰۶۰۰۱۵۰۲-۱۳۹۶/۸/۱۷ هیئت اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک ملایر تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای مسعود سلیمانی فرزند حیدر بشماره شناسنامه ۶۱۸ صادره از ملایر در سه دانگ مشاع از ششدانگ یکباب ساختمان به مساحت ۶۷۶/۳۰ متر مربع قسمتی از پلاک یک اصلی اراضی دولت‌آباد واقع در بخش چهار ملایر خریداری از مالک رسمی آقای صادق رهام محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراض داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۳۹۶/۹/۴ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۳۹۶/۹/۱۹

محمدرضا امینی - رئیس اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان ملایر
م الف ۱۷۸۵

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین‌نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رأی شماره ۱۳۹۶۶۰۳۲۶۰۰۶۰۰۱۵۰۵ - ۱۳۹۶/۸/۱۷ هیئت اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک ملایر تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای کرم‌اله سهرابی فرزند اسداله بشماره شناسنامه ۸ صادره از اشترینان در سه دانگ مشاع از ششدانگ یکباب ساختمان به مساحت ۶۷۶/۳۰ متر مربع قسمتی از پلاک یک اصلی اراضی دولت‌آباد واقع در بخش چهار ملایر خریداری از مالک رسمی آقای صادق رهام محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراض داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۳۹۶/۹/۴ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۳۹۶/۹/۱۹

محمدرضا امینی- رئیس اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان ملایر
م الف ۱۷۸۷

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین‌نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۳۹۶۶۰۳۲۶۰۰۶۰۰۱۵۰۹-۱۳۹۶/۸/۱۷ هیئت اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک ملایر تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای/خانم طیبه روستائی فرزند احمد بشماره شناسنامه ۲۵۶ صادره از ملایر از ششدانگ اعیانی بانضمام هشتاد و هشت شعیر مشاع عرصه یکباب خانه به مساحت ۶۵/۸۱ متر مربع قسمتی از پلاک ۲۰ اصلی اراضی جعفرآباد واقع در بخش چهارملایر خریداری از مالک رسمی آقای امامعلی و اسماعیل صفاری محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراض داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۳۹۶/۹/۱۹ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۳۹۶/۱۰/۴

محمدرضا امینی- رئیس اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان ملایر
م الف ۱۸۳۳

شنبه‌ها
(سراسر کشور)
زن روز
اولین نشریه مخصوص بانوان
با مطالب متنوع و خواندنی